

Ancient Iranian Festivals and Nowruz Rituals: Symbols and Traditions across Time

Ali Haji Jafari ¹

PhD Candidate in Philosophy of Law, Baqir al-Olum University (AS), Qom; and
graduate of Level Four of the Qom Seminary

Received: 2025/07/08 | Accepted: 2025/08/04

Abstract

This study aims to examine the status of Nowruz rituals and ancient Iranian festivals as fundamental components of the cultural heritage and national identity of Iranians. Festivals such as Nowruz, Sadeh, and Mehregan are not only integral parts of Iran's cultural history, but also reflect the longstanding relationship between the Iranian people, nature, and the cycle of life. Among these rituals, Nowruz occupies a particularly prominent position and has today become a transnational event, celebrated with similar manifestations in countries such as Afghanistan, Tajikistan, Pakistan, Turkey, Iraq, and even China and Egypt. This geographical spread reflects the cultural and civilizational influence of Iran at both regional and transregional levels.

The research method employed in this article is descriptive-analytical and based on library sources. Within this framework, the symbolic elements and traditions of Nowruz rituals—such as house cleaning (khāneh-tekāni), the Chaharshanbeh Suri ceremony, sprouting greenery (sabzeh), setting the Haft-Seen table, and Sizdah Bedar—along with their roots in myths and Zoroastrian rituals, are examined. The findings indicate that ancient Iranian rituals, despite extensive political, cultural, and religious transformations, have maintained their historical continuity and, during the Islamic period, have been integrated with new concepts. This continuity and cultural flexibility have enabled these rituals to remain alive in people's daily lives and to be transmitted to subsequent generations as a living heritage. Consequently, these festivals can be regarded as among the most significant manifestations of Iranian cultural identity and social cohesion.

Keywords: Ancient Iranian Festivals; Nowruz Festival; Nowruz Rituals; Sadeh Festival; Mehregan Festival.



جشن‌های ایران باستان و آئین‌های نوروزی؛ نمادها و سنت‌ها در گذر زمان

علی حاجی جعفری^۱

دانشجوی دکتری فلسفه حقوق دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم؛ و دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی جایگاه آیین‌های نوروزی و جشن‌های ایران باستان به عنوان مؤلفه‌هایی بنیادین از میراث فرهنگی و هویت ملی ایرانیان انجام شده است. جشن‌هایی همچون نوروز، سده و مهرگان نه تنها بخشی از تاریخ فرهنگی ایران زمین به شمار می‌روند، بلکه بازتابی از پیوند دیرینه انسان ایرانی با طبیعت و چرخه حیات هستند. در میان این آیین‌ها، نوروز از جایگاه برجسته‌تری برخوردار است و امروزه به یک رویداد فراملی تبدیل شده که در کشورهایی چون افغانستان، تاجیکستان، پاکستان، ترکیه، عراق و حتی چین و مصر با جلوه‌هایی مشابه گرامی داشته می‌شود. این گسترش جغرافیایی، بیانگر نفوذ فرهنگی و تمدنی ایران در حوزه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است. در این چارچوب، عناصر نمادین و سنت‌های آیین نوروز، مانند خانه‌تکانی، مراسم چهارشنبه‌سوری، رویاندن سبزه، چیدن سفره هفت‌سین و سبزه‌به‌در، به همراه ریشه‌های آن‌ها در اسطوره‌ها و آیین‌های زرتشتی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که آیین‌های باستانی ایران، با وجود تغییرات گسترده سیاسی، فرهنگی و دینی، تداوم تاریخی خود را حفظ کرده‌اند و در دوره اسلامی نیز با مفاهیم جدید تلفیق شده‌اند. این استمرار و انعطاف‌پذیری فرهنگی موجب شده تا این آیین‌ها همچنان در زندگی مردم جاری بمانند و به عنوان میراثی زنده، به نسل‌های بعدی منتقل شوند. در نتیجه، این جشن‌ها را می‌توان از مهم‌ترین جلوه‌های هویت فرهنگی و همبستگی اجتماعی ایرانیان دانست.

واژگان کلیدی

جشن‌های ایران باستان، جشن نوروز، آیین‌های نوروزی، جشن سده، جشن مهرگان.

مقدمه

جشن‌ها و آیین‌های باستانی ایران، به‌عنوان گنجینه‌ای غنی از فرهنگ و تمدن کهن این سرزمین، همواره جایگاه ویژه‌ای در مطالعات انسان‌شناسی فرهنگی و تاریخ اجتماعی داشته‌اند. نوروز، سده و مهرگان نه تنها بازمانده‌های ارزشمند از دوران باستان هستند، بلکه به‌عنوان پدیده‌های فرهنگی زنده، تداوم حیات اجتماعی و معنوی ایرانیان را در طول سده‌ها تضمین کرده‌اند. اهمیت مطالعه این جشن‌ها از آنجا آشکار می‌شود که این آیین‌ها همچون حلقه‌ای پیونددهنده، گذشته پرافتخار ایران را به حال و آینده آن متصل می‌سازند.

پیشینه این جشن‌ها به دوران پیش از زرتشت بازمی‌گردد و در متون کهن ایرانی مانند اوستا و نوشته‌های مورخان یونانی به آن‌ها اشاره شده است. با این حال، نکته حائز اهمیت، تحول و تطبیق این آیین‌ها با شرایط مختلف تاریخی و فرهنگی است که نشان‌دهنده ظرفیت بالای این سنت‌ها برای همگامی با تغییرات اجتماعی است. امروزه گسترش جهانی نوروز و ثبت آن در فهرست میراث ناملموس یونسکو، گواهی بر اهمیت فراملی این پدیده‌های فرهنگی است.

ضرورت پژوهش حاضر از چند منظر قابل بررسی است: نخست آنکه این جشن‌ها به‌عنوان بخشی از هویت جمعی ایرانیان، نیازمند مطالعه و ثبت دقیق هستند تا از تحریف و فراموشی مصون بمانند. دوم آنکه بررسی نمادها و ساختار این آیین‌ها می‌تواند دریچه‌ای به سوی شناخت بهتر جهان‌بینی و نظام ارزشی ایرانیان باستان بگشاید. سوم آنکه تحلیل چگونگی بقا و تحول این سنت‌ها در گذر زمان، می‌تواند الگویی ارزشمند برای حفظ میراث فرهنگی در عصر جهانی شدن ارائه دهد.

در این رابطه پژوهش‌هایی صورت گرفته است از جمله:

خلیلی محله، سرمد و قربانی مرزدشتی (۱۳۹۵) در پژوهش خود به بررسی جشن‌های اسطوره‌ای ایران پرداختند که به این نتیجه رسیدند که آثار بازمانده از دوره هخامنشی گویای دو نوع گاه‌شماری در این دیار کهن است. دوره اول «گاه‌شماری پارسی باستان»، این نوع گاه‌شماری پس از مهاجرت آریاییان و تاثر ایرانیان از بابل، آشور و عیلام آغاز شده است. آغاز سال در این نوع تقویم از خزان است و جشن‌های مهرگان به‌عنوان

جشن‌های آغاز سال برپا می‌شد و دوره دوم که «گاه شماری اوستایی جدید» نام دارد متأثر از گاه شماری ساده و منظم مصری است که ماههای آن سی روز بود و هر یک از روزهای ماه به نام امشاسپند یا ایزدی نامیده می‌شد. نام ماهها هم به نام دوازده تن از همین امشاسپندان بود. در این نوع گاه شماری آغاز سال از فصل بهار بود و نوروز به عنوان جشن‌های آغاز سال نمادی ویژه‌ای داشت.

ولایتی (۱۳۹۶) در پژوهش خود به بررسی جشن‌های ایران باستان پرداخته است که از بین این جشن‌ها میزان توجه شاعران مورد پژوهش (ابوالقاسم فردوسی، فرّخی سیستانی، خاقانی شروانی، منوچهری دامغانی) به ۳ جشن (نوروز، مهرگان، سده) بیش تر است. که این امر بیانگر اهمّیت این ۳ جشن حتّی بعد از ظهور اسلام است.

روح الامینی (۱۳۷۶) در کتاب خود با عنوان آیینها و جشن‌های کهن در ایران امروز، به بررسی ماهیت و نظریات مربوط به آیینهای نوروزی و وضعیت برگزاری آنها در عصر حاضر در ایران پرداخته است.

بلوکباشی (۱۳۸۰) نیز در کتاب خود با عنوان نوروز جشن نوزایی آفرینش، درباب پیشینه جشن نوروز و ماهیت آیینهای آن سخن گفته است.

هدف این مقاله، بررسی عمیق‌تر این جشن‌ها در سه سطح است: سطح اول تحلیل نمادها و نشانه‌های به کاررفته در این آیین‌ها، سطح دوم مطالعه سیر تحول تاریخی آنها و سطح سوم بررسی نقش و کارکرد اجتماعی این جشن‌ها در جهان معاصر. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است.

اهمیت این تحقیق از آنجا مضاعف می‌شود که این جشن‌ها امروزه نه تنها در ایران، بلکه در بسیاری از کشورهای همسایه و حتی در جوامع ایرانی مقیم خارج از کشور با اشکال مختلف برگزار می‌شوند. این گسترش جغرافیایی، نشان‌دهنده ظرفیت بالای این آیین‌ها برای ایجاد گفت‌وگوی بین فرهنگی و تقویت پیوندهای اجتماعی است. از این رو، مطالعه نظام‌مند این پدیده‌ها می‌تواند به درک بهتر پویایی‌های فرهنگی در جهان معاصر کمک شایانی کند.

در این مقاله، به روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و نیز بهره گرفتن از کتب، مقالات و مستندات، پس از مروری بر پیشینه تاریخی



هر یک از این جشن‌ها، به تحلیل نمادین عناصر تشکیل‌دهنده آن‌ها پرداخته خواهد شد. امید است این پژوهش گامی هرچند کوچک در جهت شناخت و پاسداشت این میراث فرهنگی ارزشمند باشد.

آئین‌های نوروزی در ایران باستان

نوروز، به عنوان بزرگترین جشن ملی ایرانیان از دوران باستان تاکنون، همواره جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ ایران داشته است. این جشن همزمان با ورود خورشید به برج حمل (فروردین) آغاز می‌شود و به دلیل ارتباط با ماه فروردین (ماه فروهرها) به «جشن فروردین» نیز شهرت دارد. نوزدهمین روز هر ماه در تقویم زرتشتی تحت حمایت فرشته فروهر قرار دارد و روز فروردین در ماه فروردین به «فروردگان» معروف است (عرب گلپایگانی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۲).

نوروز در گاهشماری زرتشتی به عنوان یکی از جشن‌های آفرینش و آخرین جشن از مجموعه هفت گانه امشاسپندان شناخته می‌شود. در این جشن، انجام هفت نوع خیرات نمادی از هفت امشاسپند است و مراسم عبادی سالانه در این زمان برگزار می‌گردد (بویس، ۱۳۷۶، ص ۳۱۵). اهمیت نوروز در تاریخ ایران به حدی است که کوروش بزرگ پس از فتح بابل، در سال ۵۳۸ پیش از میلاد، پسرش کمبوجیه را در جشن نوروز به عنوان پادشاه بین‌النهرین معرفی کرد (هینلر راسل، ۱۳۸۳، ص ۱۵۴).

روز ششم فروردین، معروف به «نوروز بزرگ»، نزد ایرانیان باستان از جایگاه خاصی برخوردار بود. بر اساس اساطیر، این روز به عنوان زمان آسودگی خداوند از آفرینش جهان، آفرینش مشتری، مناجات زرتشت با خداوند، و عروج کیخسرو به آسمان شناخته می‌شد. همچنین، این روز را «روز امید» می‌نامیدند، زیرا در آن سعادت میان مردم تقسیم می‌گردید. جمشید، پادشاه اسطوره‌ای ایران، نیز در این روز دستور تخریب گورستان‌های کهنه را صادر کرد و از ساخت گورستان‌های جدید جلوگیری نمود (بیرونی، ۱۳۵۲، ص ۲۷۹).

در دوران باستان، پنج روز نخست فروردین به عنوان «نوروز عامه» شناخته می‌شد و پادشاه در این ایام بار عام می‌داد. روز ششم، موسوم به «نوروز بزرگ»، به مراسم خصوصی با نزدیکان اختصاص داشت. جمشید، به عنوان نماد فره ایزدی در شاهنامه، تخت و تاج خود

را در این روز دریافت کرد و این واقعه به عنوان دلیل اصلی برگزاری جشن نوروز شناخته می‌شود (سرخوش کرتیس، ۱۳۷۶، ص ۳۷).

مراسم نوروز در دربارها، خانه‌های فرمانروایان و خانواده‌های معمولی برگزار می‌شد. در این آیین، شاخه‌هایی از درختان بید، زیتون و انار بر سفره قرار می‌گرفت و روز اول بهار با نام خدا آغاز می‌گردید (اوشیدری، ۱۳۷۱، ص ۴۵۵).

حجاری‌های تخت جمشید که نمایندگان ملل مختلف را با هدایای نوروزی به تصویر می‌کشند، بازتابی از آیین‌های رسمی این جشن هستند. در این مراسم، پادشاه بر تخت می‌نشست و هدایای مردم و نمایندگان را دریافت می‌کرد. این هدایا در دفاتر ثبت می‌شد تا در مواقع نیاز، چندین برابر به اهداکنندگان بازگردانده شود (رضی، ۱۳۸۳، ص ۹۴).

نوروز در اصل جشن رستاخیز و نو شدن طبیعت است. پیش از اسلام، ایرانیان ده روز پیش از نوروز را به یاد مردگان گرامی می‌داشتند. در این ایام، شمع‌ها فروخته می‌شد و سفره‌هایی با خوراکی و نوشیدنی برای بازدید ارواح درگذشتگان چیده می‌شد (متحدین، ۱۳۸۱، ص ۳۸۴).

رویش گیاهان در نوروز نماد حیات دوباره و تجدید چرخه زندگی بود. انسان‌های باستان آغاز سال نو را بازگشتی به بهشت نخستین می‌پنداشتند. نوروز در باورهای کهن، گسستی در تداوم زمان محسوب می‌شد و حتی معتقد بودند ارواح درگذشتگان (فروهرها) نیز در این جشن شرکت می‌کنند (اسماعیل پور، ۱۳۷۷، ص ۹۶).

آداب و رسوم نوروزی در فرهنگ ایرانی

یکی از آیین‌های جالب توجه در نوروز، رسم آب پاشی بوده است. برخی پژوهشگران این رسم را نمادی از پاکیزگی و تطهیر می‌دانند، در حالی که روایتی دیگر آن را به دوره جمشید نسبت می‌دهد. بر اساس این روایت، پس از دوره‌ای طولانی از خشکسالی، با به تخت نشستن جمشید باران‌های فراوانی بارید و مردم این واقعه را مبارک دانسته و با پاشیدن آب بر یکدیگر شادی کردند (دوستخواه، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۹۱۰).



سبزه نوروزی و پیش بینی‌های کشاورزی

از رسوم عمیقاً نمادین نوروز، سنت سبز کردن سبزه بوده است. در دربار پادشاهان، ۲۵ روز پیش از نوروز، دوازده ستون خشتی در حیاط برپا می‌کردند و بر هر کدام نوعی غله می‌کاشتند. در ششمین روز نوروز، با همراهی موسیقی و آواز، محصولات را برداشت می‌کردند. این ستون‌ها تا شانزدهم مهرماه برجا می‌ماند و رشد گیاهان نشانه‌ای برای پیش بینی وضعیت کشاورزی سال آینده بود. پادشاهان به ویژه رشد جو را نشانه خوش یمنی می‌دانستند (رضی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۷).

سبزه بدر و فلسفه آن

رسم انداختن سبزه‌ها به آب روان در سیزدهم فروردین، نمادی از همراه کردن طبیعت با جریان زندگی و تحرک بخشیدن به رویش گیاهان بود. این آیین بیانگر پیوند عمیق انسان با چرخه‌های طبیعی است (رضی، ۱۳۸۰، ص ۳۹۳).

سفره هفت سین و ارتباط با باورهای کهن

چیدن سفره هفت سین که ریشه در باورهای مربوط به فروهرها دارد، از مهم ترین رسوم نوروزی است. این سفره نماد بازگشت ارواح نیاکان و پیوند نسل‌ها محسوب می‌شود (رضی، ۱۳۸۰، ص ۳۹۰). هر یک از این آیین‌ها بیانگر جهان بینی عمیق ایرانیان باستان و ارتباط آنان با طبیعت و ماوراء الطبیعه بوده است.

سفره نوروزی و نمادهای کهن آن

در عصر ساسانی، ظروف تزئینی منقوشی از چین به ایران وارد می‌شد که به "چینی" یا "سینی" معروف بودند. این ظروف در مراسم نوروزی برای چیدن سفره استفاده می‌شد و با شیرینی و نقل پر می‌گردید. به تعداد هفت امشاسپند، این سینی‌ها بر سفره نوروزی قرار می‌گرفت که بعدها به "هفت سین" تغییر نام یافت (هینلر، ۱۳۸۳، ص ۴۸۰).

اجزای اصلی سفره نوروزی در گذشته شامل موارد زیر بود:

- سبزه (نماد زندگی و رویش)
- آتشدان (نماد نور و پاکی)
- آینه (نماد روشنایی)



- کتاب مقدس (نماد دانایی)
- کوزه آب (نماد پاکی)
- شمعدان (نماد روشنایی)
- نان (نماد برکت)
- شیر تازه (نماد نوزایی)
- تخم مرغ رنگ شده (نماد نطفه و زایش)
- سمنو (نماد فراوانی)
- سنجد (نماد عشق)
- ماهی قرمز (نماد اسفندماه)
- سیب (نماد سلامتی)
- انار (نماد باروری)
- سکه (نماد دارایی)
- گل بیدمشک (نماد بهار)
- نارنج (نماد زیبایی)
- اسپند (نماد دفع چشم زخم)

استفاده از شاخه‌های درختان مختلف در سفره، سنتی دیرینه است که امروزه به شاخه‌های انار، سرو، کاج و انواع گل‌ها محدود شده است (رضی، ۱۳۸۰، ص ۳۹۸).
آتشدان که در گذشته نماد مذهبی مهمی بود، به تدریج به شمعدان و چراغ تبدیل شد (همان، ص ۳۹۴).

شمع‌های سفره باید تا پایان می‌سوختند و خاموش کردن آنها با دست نشانه کوتاهی عمر بود. در صورت ضرورت، با دو برگ سبز خاموش می‌شدند (همان، ص ۴۰۴).
دادن قند و نقل به یکدیگر از سنت‌های دیرینه نوروزی بود (رضی، ۱۳۸۰، ص ۴۰۱).
خوردن عسل در صبح نوروز بزرگ (ششم فروردین) برای در امان ماندن از بیماری‌ها توصیه می‌شد (همان).

برای تعدیل مزاج در تحویل سال، افراد گرم مزاج ماست و افراد سرد مزاج شیره می‌خوردند (همان، ص ۴۰۴).



این سنت های کهن، بیانگر نگاه عمیق ایرانیان باستان به پیوند انسان و طبیعت و چرخه زندگی است که تا امروز نیز تداوم یافته است.

رپیتوین: نماد گرمای حیات بخش در اساطیر ایرانی

در باورهای کهن ایرانی، رپیتوین به عنوان ایزدبانوی نیمروز و حافظ گرمای ظهر شناخته می شد. این زمان مقدس در اساطیر ایرانی جایگاه ویژه ای دارد، چرا که هم آفرینش جهان و هم بازسازی نهایی آن در این لحظه از زمان رخ داده و خواهد داد (آموزگار، ۱۳۷۶، ص ۲۴).

با هجوم دیو زمستان به جهان، رپیتوین به زیر زمین پناه می برد و با گرم نگه داشتن آب های زیرزمینی، از نابودی گیاهان و درختان جلوگیری می کند. بازگشت پیروزمندانه او در بهار، نماد پیروزی نهایی خیر بر شر است. جشن رپیتوین که بخشی از مراسم نوروز محسوب می شود، شادمانی برای زنده نگه داشتن ریشه گیاهان توسط گرمای این ایزدبانو است (همان).

باور بر این بود که رپیتوین هفت ماه از سال (فصل گرم) را فرمانروایی می کند و در آخرین روز مهرماه به زیر زمین می رود تا در اول فروردین دوباره ظهور کند. بنابراین جشن بازگشت او با نوروز همزمان بود. در پنج ماه زمستان، مراسم نیایش ویژه او که معمولاً در نیمروز برگزار می شد، متوقف می گشت و هیچ تشریفاتی برای تشیع جنازه انجام نمی پذیرفت، چرا که رپیتوین نماینده جهان آرمانی بی مرگ و ویرانی بود (کراسنولسکا، ۱۳۸۲، ص ۱۲۵).

رپیتوین نماد تداوم حیات در طبیعت، تجلی پیروزی نور بر تاریکی، نماینده نظم کیهانی و چرخه های طبیعی، محافظ گیاهان و مظهر باروری است. این باورهای اساطیری نشان دهنده نگاه عمیق ایرانیان باستان به پیوند ناگسستنی انسان و طبیعت است، جایی که هر پدیده طبیعی تجلی ای از نیروهای ماورایی محسوب می شد.



مراسم و آیین‌های همراه با نوروز پاکسازی و لایروبی آب‌ها (۱۹ اسفند)

در نوزدهم اسفندماه، ایرانیان باستان به پاکسازی و لایروبی رودخانه‌ها، قنات‌ها و چشمه‌ها می‌پرداختند. این مراسم که با پاشیدن عطر و گلاب همراه بود، نمادی از احترام به عناصر طبیعی و آماده‌سازی برای سال نو محسوب می‌شد (بیگونند، ۱۳۹۲، ص ۱۷۶).

روز درختکاری و گل‌کاری (۲۰ اسفند)

بیستم اسفندماه به عنوان روز آماده‌سازی و کاشت گیاهان و درختان در گلدان‌ها اختصاص داشت. این آیین که امروزه به نام روز درختکاری شناخته می‌شود، ریشه در سنت‌های کهن ایرانی دارد (همان).

جشن فروردگان (همسپشیدیه)

این مراسم ده‌روزه در پایان سال برگزار می‌شد و به عنوان جشن فروهرها یا ارواح درگذشتگان شناخته می‌شد (عفی، ۱۳۷۴، ص ۵۷۴). برخلاف دیگر جشن‌های نوروزی، این دوره بیشتر جنبه عزاداری و یادبود داشت تا شادمانی (رضی، ۱۳۸۰، ص ۳۹۴).

باورهای مربوط به فروهرها

ماه فروردین در فرهنگ ایران باستان به فروهرها تعلق داشت. ایرانیان در شب سال نو با روشن کردن چراغ و قرار دادن غذا بر پشت بام‌ها، به استقبال ارواح نیاکان می‌رفتند (بهار، ۱۳۷۴، ص ۵۷۴). آماده‌سازی خانه شامل تمیزکاری، تزئین با گل، آماده کردن شیرینی و شربت، و گستردن سفره هفت‌سین از آیین‌های مهم این دوره بود (عرب گلپایگانی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۳).

زرتشتیان در این ایام به آرامگاه‌ها می‌رفتند و با سوزاندن چوب صندل و تقدیم نذورات شامل میوه و گل، مراسم آفرینگان را برگزار می‌کردند. این آیین‌ها با حضور موبدان انجام می‌گرفت (اوشیدری، ۱۳۷۱، ص ۳۷۲).

این مراسم و آیین‌ها نشان‌دهنده نگاه عمیق ایرانیان باستان به پیوند نسل‌ها، احترام به طبیعت و باور به جهان پس از مرگ است که در قالب جشن‌های نوروزی تجلی یافته‌اند.



چهارشنبه سوری: آیین گذار به نوروز

چهارشنبه سوری به عنوان یکی از کهن ترین آیین های ایرانی، حلقه اتصال بین سال کهنه و نو محسوب می شود. این مراسم عمیقاً با باورهای اساطیری ایرانیان درباره بازگشت ارواح نیاکان (فروهرها) در روزهای پایانی سال پیوند خورده است. در گذشته، ایرانیان با افروختن آتش بر بام خانه ها، راهنمایی برای فروهرها فراهم می کردند. تعداد این آتش ها معمولاً هفت عدد (نماد امشاسپندان) یا سه عدد (نماد اندیشه، گفتار و کردار نیک) بود (هینلر راسل، ۱۳۸۳، ص ۴۸۱).

آتش: نماد پاکسازی و تجدید حیات

برخلاف تصور رایج، پریدن از روی آتش در دوران پیش از اسلام مرسوم نبوده و بعدها به این آیین اضافه شده است. آتش چهارشنبه سوری در اصل نمادی از گرم کردن جهان و زدودن سرمای زمستان و پلیدی ها از وجود انسان بوده است (بهار، ۱۳۷۴، ص ۲۳۳).

رسوم متنوع چهارشنبه سوری

از دیگر آیین های این شب می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- قاشق زنی و آب پاشی (متحدین، ۱۳۸۱، ص ۳۹۰).
- فالگوش ایستادن و فال کوزه (چل بیتو)
- شکستن کوزه کهنه و خریدن کوزه نو
- تهیه آجیل مخصوص
- پخت آتش چهل گیاه و پلوهای چهارگانه
- مراسم بخت گشایی دختران (شکورزاده، ۱۳۶۱، ص ۲۴۶-۲۴۷).

ریشه های تاریخی و اسطوره ای

سه دیدگاه اصلی درباره خاستگاه این آیین وجود دارد:

۱. دیدگاه اسطوره ای: آتش از زمانهای قدیم در نزد ایران جایگاه خاصی داشته است؛ زیرا بسیاری از نیازهای انسان مانند ایجاد روشنایی در شب و گرم کردن مسکن آدمی در فصل زمستان و پختن غذا و ... را برطرف می کرده است؛ بنابراین، روشن کردن آتش قبل از نوروز، به نشانه شادی و استقبال از نوروز و دور کردن پلیدی و پاکسازی خانه

از هر نحوستی بوده است (شکورزاده، ۱۳۶۱، ص ۲۴۷).

۲. **دیدگاه تاریخی:** مختار ثقفی وقتی از زندان آزاد شد و به خونخواهی شهدای کربلا قیام کرد به شیعیان و طرفداران خود دستور داد تا در هنگام غروب بالای بام خانه‌هایشان آتش روشن کنند و به این روش یاران خود را از قیام آگاه کنند و این شب مصادف با چهارشنبه آخر سال بود و بعد از آن روشن کردن آتش در شب چهارشنبه آخر سال رسم شد و دلیل پذیرش این عقیده در نزد عامه مردم این است که در شب چهارشنبه سوری مردم در اکثر قهوه خانه‌ها و مغازه‌ها پرده‌های نقاشی خروج مختار و شقه کردن حرمله و خولی و ... را از در و دیوار آویزان می‌کنند (همان، ص ۲۴۷ و ۲۴۸).

۳. **دیدگاه فرهنگی:** نحس بودن روز چهارشنبه پس از پذیرفتن دین اسلام از سوی اعراب که آن را نحس و شوم می‌دانستند در فکر ایرانیان رسوخ پیدا کرد. و ایرانیان به دلیل نحس دانستن چهارشنبه آخر سال برای دفع پلیدی‌ها و زشتی‌ها مراسمی را در این روز انجام می‌دادند مثل پریدن از روی آتش، ترانه خواندن، انداختن نمک و زغال و سکه در کوزه سفالین و پرتاب کردن آن از بالای بام به کوچه (همان، ص ۲۴۹ و ۲۴۸).

آیین‌های مشترک در سراسر ایران

مراسم چهارشنبه سوری با سایر آیین‌های نوروزی مانند خانه‌تکانی، سبزه‌اندازی، حاجی فیروز، پخت سمنو و چیدن سفره هفت‌سین پیوند خورده است. دیگر رسوم مشترک شامل:

- پوشیدن لباس نو
- سوزاندن اسپند و عنبر
- رنگ کردن تخم مرغ
- پخت غذاهای ویژه مانند سبزی پلو با ماهی
- انجام آیین‌های سلامتی مانند نوشیدن آب جوجه خروس (شکورزاده، ۱۳۶۱، ص ۲۴۹).

این آیین‌ها نشان‌دهنده پیوند عمیق فرهنگ ایرانی با چرخه طبیعت و باور به تولد دوباره و پیروزی نور بر تاریکی است. چهارشنبه سوری به عنوان دروازه‌ای به سوی نوروز، هم نماد وداع با سال کهنه و هم استقبال از سال نو محسوب می‌شود.



جشن شنبه اول سال

در مناطق جنوبی خراسان، مردم با آمدن نخستین شنبه سال نو به دشت‌ها و مزارع می‌روند. در این روز که به شادی و پخت آش رشته اختصاص دارد، همگان به استقبال بهار می‌روند (بیگوند، ۱۳۹۲، ص ۹۶).

مراسم بیل گردانی

این آیین کشاورزی که از اول تا سیزدهم فروردین در نیمور محلات برگزار می‌شد، همراه با نمایش‌های آیینی بود. این جشن که امروزه کمتر دیده می‌شود، نماد پایان لایروبی و آماده‌سازی زمین‌های کشاورزی بود (همان، ص ۸۵).

نوروز بزرگ (خردادروز)

ششمین روز فروردین به نام‌های اسپیدانوش، نوروز بزرگ و روز امید شناخته می‌شد. نام اسپیدانوش احتمالاً به نامه‌های تبریک نوروزی اشاره دارد، و عنوان روز امید از انتظار ظهور دوباره کیخسرو و منجیان دیگر نشأت می‌گرفت (همان، ص ۷۹-۸۰).

جشن‌های آبی

مجموعه آیین‌های آبی شامل آب‌پاشان، آبریزگان و نوروز طبری، با مراسم شست‌وشو و آب‌پاشی همراه بود. این جشن‌ها که پیشتر در سیزدهم تیرماه برگزار می‌شد، در دوره صفویه رونق داشت (همان، ص ۸۰).

سیزده‌بدر

سیزدهم فروردین، روزی مقدس برای کشاورزان بود که با گردهمایی در مزارع، سال زراعی جدید را آغاز می‌کردند. این جشن که به ایزد تیشتر (ایزد باران) مرتبط بود، روزی برای طلب باران و پیروزی بر دیو خشکسالی محسوب می‌شد (هینلر راسل، ۱۳۸۳، ص ۴۸۳). ایرانیان در این روز به دامان طبیعت می‌رفتند و با گره زدن سبزه و تماشای شکوفه‌ها، سالی پربرکت را آرزو می‌کردند (رضی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۳).



جشن سروشگان

هفدهم فروردین به گرامیداشت سروش، ایزد پیام‌آور و نگهبان بیداری اختصاص داشت. در این روز که به خروس سفید (نماد سروش) احترام می‌گذاشتند، پر خروس را بر کلاه نصب می‌کردند - سنتی که بعدها در تعزیه‌خوانی نیز رواج یافت (بیگوند، ۱۳۹۲، ص ۸۵-۸۸).

جشن‌های گیاهی

در دوم اردیبهشت، جشن گردآوری گیاهان صحرایی برگزار می‌شد (بیگوند، ۱۳۹۲، ص ۹۸). همچنین در میانه اردیبهشت، جشن گلاب‌گیری در مناطق گلاب‌خیز مانند نیاسر و قمصر کاشان با شور خاصی انجام می‌گرفت (همان، ص ۱۰۰). این جشن‌ها که هر یک نماد پیوند عمیق ایرانیان با طبیعت و چرخه زندگی است، بخشی از هویت فرهنگی غنی ایران به شمار می‌روند.

مهرگان: جشن کهن ایرانیان در پاییز

مهرگان به عنوان دومین جشن بزرگ ایرانیان پس از نوروز، از شانزدهم تا بیست و یکم مهرماه برگزار می‌شد. این جشن ریشه در اسطوره پیروزی فریدون بر ضحاک دارد و به دوران مشترک زندگی اقوام هندوایرانی بازمی‌گردد. حتی در قرون اولیه اسلامی نیز این جشن تداوم یافت، به طوری که خلفای اموی و عباسی برای جلب حمایت ایرانیان از آن حمایت می‌کردند (محمودآبادی و عباسی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۷).

نام مهرگان به میترا (مهر)، ایزد باستانی نور و پیمان مرتبط است. در اوستا، مهر نماد دوستی، راستی و پیمان‌داری معرفی شده است (رضی، ۱۳۵۸، ص ۲۷۵). مسعودی در مروج الذهب روایت متفاوتی ارائه می‌دهد و آن را به پادشاهی ستمگر به نام مهر نسبت داده و گفته است:

«به اعتقاد ایرانیان، یکی از پادشاهان ظالم ایران که مدتی فرمانروایی کرد، مهر نام داشت و ستمگر بود و چون جان داد، جشن گرفتند. ... و این روز را اول زمستان نامیدند» (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۸۱).

بر اساس روایت ابوریحان بیرونی، مهرگان شش روز به طول می‌انجامید: روز مهر



(شانزدهم مهر) - مهرگان عامه و روز رام (بیست و یکم مهر) - مهرگان خاصه. گویا این جشن ۲ روز بوده است و هرمز پسر شاپور نخستین کسی بود که ایام میان این ۲ روز را نیز امر به جشن داده است (رضی، ۱۳۸۳، ص ۵۳۳ و ۵۳۴).

مراسم مهرگان در دربار ساسانی

در روز مهرگان، بامدادان شاه ساسانی جامه‌ای از بُرد یمانی و زربافت گران به تن می‌کرد، تاج ویژه‌ای که نقش خورشید را بر خود داشت بر سر می‌نهاد، و در تالار بزرگ می‌نشست، نخستین فردی که بر او وارد می‌شد خوش قدم‌ترین و مبارک‌ترین افراد بود که از شب هنگام بر در بارگاه می‌ایستاد و بامداد بدون اجازه به حضور شاه می‌رسید و بین او و شاه جملاتی رد و بدل می‌شد و سپس مردی با خوانچه‌ای از نان‌های درست شده از ۷ دانه گندم، جو، ذرت، عدس، برنج و ... وارد می‌شد، نام این نان‌ها دُرُون بوده است، در خوانچه دیگر انواع میوه‌های تر و خشک و شاخه‌های سبزه و گل و ... بود که نظر کردن به آنها شگون داشت و با نگرش به آنها تفأل می‌زدند، سپس در حالیکه سفره در دستش بود دعای ویژه‌ای می‌خواند و برای شاه و کشور و مردم دعا می‌کرد و پس از این مراسم که جنبه دینی داشت هدایای بزرگان و مالیات‌ها و خراج را دریافت می‌کردند و در دو دفتر جداگانه توسط ضابطان ویژه ثبت می‌شد تا در زمانی که هدیه دهنده به عسرت و احتیاج می‌افتاد به خزانه مراجعه کرده و چند برابر هدیه‌اش را دریافت کند. خنیاگران و شاعران می‌نواختند و می‌سرودند (همان، ص ۵۲۶ و ۵۲۷).

مهرگان در دوره اسلامی

۱. دوره امویان

بنی امیه در دوران خلافتشان هدایای سنگین در مهرگان را به اجبار از مردم دریافت می‌کردند؛ حجاج نخستین کسی است که گرفتن هدیه در مهرگان را مرسوم کرد (محمود آبادی و عباسی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۷). عمر بن عبدالعزیز تنها خلیفه اموی بود که به دلیل ظلم حاکمان و فشار بر عوام هدیه‌های مهرگان را لغو کرد (همان، ص ۲۶۸).



خلفای عباسی در عصر اقتدارشان اهمیت زیادی به جشن‌های مهرگان می‌دادند و برنامه‌های زیادی را در جشن مهرگان برگزار می‌کردند و هنرمندان موسیقی اجرا می‌کردند؛ نویسندگان و وزرای عهد عباسی، هدایای مهرگان را برای خلفا مشروع و حلال می‌دانستند؛ خاندان‌های ایرانی صاحب منصب در دستگاه عباسی، مشوق آنان برای برگزاری جشن مهرگان بودند؛ بسیاری از سرداران خلفا، برای عیش و نوش و تفریح و سرگرمی از جشن مهرگان استقبال می‌کردند. عباسیان در مهرگان پس از گرفتن هدایا خواسته‌ها و نیازهای مردم را برطرف می‌کردند (همان، ص ۲۶۹ و ۲۷۰).

آیین بهرام گور، اردشیر بابکان و انوشروان در نوروز و مهرگان این بود که در خزانه را می‌گشودند و لباسهای گران قیمت خود را میان طبقات مختلف مردم تقسیم می‌کردند و لباسهای خود را مانند مردم عادی انبار نمی‌کردند، در زمستان جامه‌های تابستانی و در تابستان جامه‌های زمستانی را می‌بخشیدند. در عصر اسلامی بنا بر نقل محمد بن حسن بن مصعب تنها عبدالله بن طاهر این کار را کرد (رضی، ۱۳۸۰، ص ۳۶۶).

برگزاری مهرگان در قرون نخست اسلامی نشان می‌دهد که ایرانیان آن را با اعتقادات اسلامی ناسازگار نمی‌دانستند، اگرچه با برخی رفتارهای ناپسند در حین جشن مخالف بودند (محمودآبادی و عباسی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۸). زرتشتیان نیز این جشن را مطابق تقویم قدیم در دهم مهر برگزار می‌کنند (رضی، ۱۳۸۳، ص ۵۱۰).

جشن سده: نماد پیروزی نور بر تاریکی

جشن سده، یکی از کهن‌ترین آیین‌های آتش‌پرستی ایرانیان، در میانه زمستان و دقیقاً صد روز پیش از نوروز برگزار می‌شده است. این جشن با هدف یاری رساندن به خورشید برای غلبه بر سرما و تاریکی زمستانی شکل گرفته بود. زرتشتیان این مراسم را با برپایی آتش‌های بزرگ در غروبگاه، نزدیک زیارتگاه‌های میتراپی و مجاورت آب‌های جاری انجام می‌دادند (بویس، ۱۳۷۶، ص ۳۴۱).

ابوریحان بیرونی در التفهیم دو روایت برای نامگذاری این جشن ارائه می‌دهد:

۱. فاصله پنجاه روز و شب تا نوروز

۲. تکمیل شدن صد فرزند از نخستین پدر بشری



وی همچنین به سنت افروختن آتش با چوب گوز و بادام و گردهمایی مردم برای شادمانی اشاره می‌کند (بیرونی، بی‌تا، ص ۲۵۷).

آیین‌های ویژه سده

۱. آتش افروزی جمعی: مردم با همکاری یکدیگر توده‌های عظیمی از بوته‌ها را در دشت‌ها جمع می‌کردند و می‌سوزانند.

۲. مراسم نمادین: پادشاهان و بزرگان، پرندگان و حیوانات را با نفت آغشته یا دسته‌های گیاه خشک به آنان می‌بستند و پس از آتش زدن، رهایشان می‌کردند (بهار، ۱۳۷۴، ص ۲۳۸).

۳. همبستگی اجتماعی: گردآوری هیزم برای این مراسم عملی مقدس محسوب می‌شد و نماد همکاری برای مبارزه با نیروهای اهریمنی بود.

امروزه بازمانده‌های این آیین در برخی مناطق مانند کرمان و کردستان دیده می‌شود. در کردستان، این سنت با روشن کردن آتش آغاز می‌شود و تا چهارشنبه سوری، هر هفته با آتش افروزی ادامه می‌یابد (رضی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۱).

جشن سده نقطه عطفی در تقویم کشاورزی ایران باستان بود. نماد امید به بازگشت گرمای بهاری محسوب می‌شد. تأکید بر ارزش‌های جمعی و همکاری اجتماعی داشت و پیوند عمیقی با آیین‌های میترائیسم و زرتشت‌گرایی نشان می‌داد.

این جشن کهن، با وجود تحولات تاریخی، همچنان به عنوان نمادی از مقاومت در برابر سرما و امید به آمدن بهار در فرهنگ ایرانی باقی مانده است.

نوروز در گستره جهانی: میراث مشترک فرهنگی

نوروز به عنوان آیینی فراگیر، امروزه در سراسر فلات ایران و مناطق همجوار برگزار می‌شود. این جشن در کشورهای ایران، آذربایجان، افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، قرقیزستان و مناطق کردنشین عراق، ترکیه و سوریه به طور رسمی در اول فروردین (۲۱ مارس) گرامی داشته می‌شود. جالب توجه است که این آیین حتی در زنگبار تانزانیا (آفریقای شرقی) که روزگاری میزبان جوامع ایرانی بود نیز رواج دارد (امیراحمدیان، ۱۳۸۵، ص ۱۶).

قلمرو فرهنگی نوروز از غرب چین تا آناتولی، از شبه قاره هند تا میانرودان، و از سین کیانگ تا قفقاز گسترده است. این گستره وسیع، نشانگر نفوذ عمیق تمدن ایرانی در این مناطق است (همان).

نوروز در شبه قاره هند

از دوره غزنویان به بعد، جشن‌های ایرانی به ویژه نوروز، آب‌پاشان، مهرگان و سده در شبه قاره هند رواج یافت. این رسم در دوره تیموریان و دیگر سلسله‌های ترک به اوج خود رسید (رضی، ۱۳۸۰، ص ۴۶۲). امروزه نوروز در میان شیعیان این منطقه بیشتر جنبه مذهبی دارد و فاقد آیین‌هایی مانند چهارشنبه سوری یا سیزده بدر است (همان، ص ۴۷۰). هندوها نوروز را در دو روز جشن می‌گیرند: روز اول: روشن کردن آتش بزرگ و سوزاندن تمثال هولیکا (ساخته شده از خیزران) با مراسم خاص، روز دوم: پاشیدن گرد رنگی و آب‌پاشی، تعارف شیرینی و در آغوش گرفتن یکدیگر.

نوروز در پاکستان

در پاکستان، جشن نوروز که معمولاً مصادف با ۲۱ یا ۲۳ مارس است، سه روز به طول می‌انجامد (رضی، ۱۳۸۰، ص ۴۶۹).

نوروز در اندلس (اسپانیا)

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که در غرناطه (گرانادا) اسپانیا، مسلمانان جشن‌های نوروز، مهرگان و سده را با تشریفات خاصی برگزار می‌کردند (رضی، ۱۳۸۰، ص ۴۷۲).

نوروز در مصر

مصریان پیش از اسلام نوروز را جشن می‌گرفتند. برخی آغاز این رسم را به دوره کمبوجیه و برخی دیگر به دوره خسرو پرویز نسبت می‌دهند. بسیاری از آیین‌های نوروز ایرانی در مصر نیز رواج داشت (دهباشی، ۱۳۹۱، ص ۹۳۲).

به گفته قلقشندی در صبح‌الاعشی: «قبطیان مصر نوروز را با تمام آیین‌هایش جشن می‌گرفتند. آنها به شادی و پایکوبی می‌پرداختند، آتش می‌افروختند و بر یکدیگر آب می‌پاشیدند.» (قلقشندی، بی‌تا، ص ۹۱۶-۹۱۷).



نوروز در ازبکستان

پس از استقلال از اتحاد جماهیر شوروی، نوروز به عنوان یکی از مهم‌ترین جشن‌های ملی ازبکستان احیا شد. اقوام مختلف این کشور نوروز را به شیوه‌های گوناگون و به عنوان وداع با زمستان و استقبال از بهار گرامی می‌دارند.

نوروز در چین

در چین، آیین‌های نوروزی شامل چسباندن کاغذهای قرمز به پنجره‌هاست که طبق باورهای قدیمی، ارواح خبیثه را دور می‌کند. امروزه این سنت با استفاده از کاغذهای رنگارنگ و طرح‌دار متحول شده است.

نوروز در افغانستان

در افغانستان، نوروز نماد احترام به زندگی، طبیعت و ارزش‌های انسانی است. این جشن ریشه‌های عمیقی در فرهنگ و ادبیات این کشور دارد. در بلخ و مزار شریف، نوروز با شکوه خاصی برگزار می‌شود و همزمان با جشن گل سرخ است. آیین‌های نوروزی در این منطقه شامل:

- شستشوی فرش‌ها و خانه‌تکانی
 - مسابقات محلی مانند بزکشی، شترسواری و کشتی
 - رویش گل‌های سرخ در دشت‌های بلخ
- این گستره وسیع جغرافیایی نشان می‌دهد که نوروز تنها یک جشن ملی نیست، بلکه میراث فرهنگی مشترک بسیاری از ملل است که هر کدام به شیوه خود آن را گرامی می‌دارند.

نتیجه‌گیری

نوروز به عنوان کهن‌ترین جشن تمدن بشری، فراتر از یک مناسبت تقویمی، تجلی‌گاه حکمت، زیبایی و مقاومت فرهنگی ملت‌هاست. این میراث چند هزارساله که از دل اسطوره‌های ایرانی سربرآورده، امروزه به نماد همبستگی ملت‌های گوناگون از شبه‌قاره هند تا بالکان تبدیل شده است.

بررسی آیین‌های نوروزی از سده‌سوری تا سیزده‌بدر نشان می‌دهد که نوروز تنها یک

جشن فصلی نیست، بلکه نظام فکری کامل درباره رابطه انسان با طبیعت، گذر زمان و مفاهیم اخلاقی است. همان گونه که رپیتوین نماد پیروزی نور بر تاریکی است و سده طلایه دار بهار محسوب می شود، تمام عناصر نوروز در پیوندی ناگسستنی با فلسفه زندگی ایرانیان قرار دارد.

نوروز از سویی توانسته در گذار از دوران باستان به دوره اسلامی، از زرتشت تا اسلام، هویت خود را حفظ کند و از سوی دیگر در جغرافیای گسترده از چین تا بالکان، در هر فرهنگ بومی ریشه بدواند. این ویژگی منحصر به فرد، نوروز را به الگویی موفق برای گفت و گوی تمدن ها تبدیل کرده است.

نوروز همزمان سه کارکرد اساسی دارد: کارکرد طبیعی: تجدید چرخه حیات، کارکرد اجتماعی: تقویت همبستگی ملی، کارکرد معنوی: تزکیه نفس و خانه تکانی درونی.

ثبت جهانی نوروز توسط یونسکو نه تنها به رسمیت شناختن یک جشن کهنی است، بلکه تأیید پیام های جهان شمول آن یعنی صلح و دوستی میان ملل، احترام به طبیعت، امید به آینده ای بهتر و احیای ارزش های انسانی است.

امروزه نوروز در شرایطی به استقبال آینده می رود که از یک سو، جهانی شدن آن را به فرصتی برای معرفی فرهنگ ایرانی تبدیل کرده است. از سوی دیگر، نیازمند حراست هوشمندانه از اصالت آن در برابر تحریف هاست و از همه مهم تر، می تواند به محملی برای همگرایی منطقه ای تبدیل شود.

به راستی نوروز تنها جشنی نیست که هر سال تکرار می شود؛ تجدید پیمان انسان با طبیعت، تاریخ و هویت خویش است. این میراث گران بها که از گذرگاه پرفراز و نشیب تاریخ عبور کرده، امروز به ما سپرده شده تا با خردورزی آن را به نسل های آینده بسپاریم. همان گونه که فردوسی حکیم فرمود:

"جهان نو شود از فرّ نوروز / نگارند رندان توبه نوز"



۱. اسماعیل پور، ابوالقاسم (۱۳۷۷). *اسطوره بیان نمادین*. تهران: انتشارات سروش.
۲. آموزگار، ژاله (۱۳۷۶). *تاریخ اساطیر ایران*. تهران: انتشارات سمت.
۳. امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۵). «نقش نوروز در بازسازی حوزه تمدن و نفوذ ایران در آسیای مرکزی و قفقاز»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۲.
۴. اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۱). *دانشنامه مزدیسنا*. تهران: نشر مرکز.
۵. بلوکباشی، علی (۱۳۸۰). *نوروز، جشن نوزایی آفرینش*. انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۶. بهار، مهرداد (۱۳۷۴). *جستاری چند در فرهنگ ایران*. تهران: انتشارات فکر روز.
۷. بویس، مری (۱۳۷۶). *تاریخ کیش زرتشت*، مترجم: همایون صنعتی زاده. تهران: انتشارات توس.
۸. _____ (۱۳۵۲). *آثار الباقیه*، مترجم: اکبر دانا سرشت، تهران: انتشارات ابن سینا.
۹. بیرونی، ابوریحان (بی تا). *التفهیم الوائل صناعه التنجیم*، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
۱۰. بیگونند، بهروز (۱۳۹۲)، *جشن‌های فراموش شده ایران باستان*، چاپ اول، تهران: بهروز بیگونند.
۱۱. خلیلی محله، منیره، سرمد، زهره، و قربانی مرزدشتی، لاله. (۱۳۹۵). «جشن‌های اسطوره ای ایران نماد فرهنگ و تمدن قوم آریایی». همایش بین المللی جستارهای ادبی، زبان و ارتباطات فرهنگی، ص ۱۷-۱.
۱۲. دهباشی، علی (۱۳۹۱)، *نوروز*، تهران، ایران، انتشارات افکار.
۱۳. دوست خواه، جلیل (۱۳۷۱). *اوستا کهن ترین سرودها متن های ایرانی*، جلد دوم. تهران: انتشارات مروارید.
۱۴. رضی، هاشم (۱۳۸۳)، *جشن های آب*. تهران: انتشارات بهجت.
۱۵. _____ (۱۳۸۳)، *جشن های آتش*، تهران: انتشارات بهجت.
۱۶. _____ (۱۳۸۰)، *گاه شماری و جشن های ایران باستان*، تهران، ایران، انتشارات بهجت.
۱۷. روح الامینی، محمود (۱۳۷۶). *آیین ها و جشن های کهن در ایران امروز*. تهران، نشر آگاه.
۱۸. سرخوش کرتیس، وستا (۱۳۷۶). *اسطوره های ایرانی*، مترجم: عباس مخبر. چاپ دوم،

۱۹. شکورزاده، ابراهیم (۱۳۶۱)، «عید نوروز و صبغه‌های اسلامی آن»، مجله جستارهای نوین ادبی، شماره ۵۷ و ۵۸، ص ۲۴۲-۲۵۸.

۲۰. عرب گلپایگانی، عصمت (۱۳۷۶). *اساطیر ایران باستان*. تهران: انتشارات هیرمن.

۲۱. عفیفی، رحیم (۱۳۷۴). *اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته‌های پهلوی*. تهران: انتشارات توس.

۲۲. قلقشندی، احمد بن علی (بی‌تا)، *صبح الاعشی فی صنایع الانشا*، قاهره، مصر.

۲۳. کراسنولسکا، آنا (۱۳۸۲). *چند چهره کلیدی در اساطیر گاه شماری ایرانی*، مترجم: ژاله متحدین. تهران: انتشارات ورجاوند

۲۴. متحدین، ژاله (۱۳۸۱). *دانشنامه کوچک ایران*. تهران: انتشارات توس

۲۵. محمود آبادی، سید اصغر؛ عباسی، علی اکبر (۱۳۸۷)، «فرایند برگزاری جشن مهرگان در قرون نخستین اسلامی»، مجله علمی- پژوهشی فرهنگ، تهران، ایران، شماره ۶۸، ص ۲۸۲-۲۵۸.

۲۶. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۴۰۹ق)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*. ج ۲، قم - ایران: مؤسسه دار الهجرة.

۲۷. هینلر راسل، جان (۱۳۸۳). *شناخت اساطیر ایران*، مترجم: باجلان فرخی. تهران: انتشارات اساطیر.

۲۸. ولایتی، الهام (۱۳۹۶). «بررسی جشن های تاریخی ایران با تکیه بر نوروز، مهرگان و سده». *تاریخنامه خوارزمی*، سال پنجم، شماره ۱۵، ص ۱۶۱-۱۴۸.



